

معنی لغت‌های مهم درس

خُلد:	جاوید، بهشت	عشرت:	خوشی، شادی
شبرو:	کسی که شب حرکت می‌کند.	لعل:	سنگ قرمز گران قیمت (در اینجا به معنی لب)

معنی شعر

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید	گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
به معشوق گفتم که من غمخوار تو هستم، گفت روزی غمت به پایان می‌رسد. به او گفتم که تو معشوق زیبای من باش، گفت اگر امکانش باشد.	
آرایه: تکرار (گفت)- ایهام (برآید، طلوع کند، امکان پذیر)- استعاره (ماه: معشوق)	
گفتم ز مهر ورزان رسم وفا بیاموز	گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید
به او گفتم از انسان‌های عاشق راه و رسم وفاداری یاد بگیر، گفت زیبا رویان کمتر وفا دارند.	
آرایه: مناظره (گفتم و گفتا)	
گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم	گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
گفتم که دیگر به خیالت اجازه نمی‌دهم که وارد ذهن من شود. او گفت خیال من مانند شب‌گردان، شبانه در حرکت است و دوباره از راهی پنهان به ذهن تو وارد می‌شود.	
آرایه: تشخیص- کنایه (راه نظر بستن: اجازه دیدار ندادن)- تکرار (راه)	
گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد	گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
گفتم که بوی خوش زلف تو مرا در گمراهی انداخت. گفت اگر خوب توجه کنی همین زلف تو را هدایت می‌کند.	
آرایه: تشخیص (مصراع اول)- متناقض نما (زلف گمراه کننده می‌تواند هدایتگر باشد).	
گفتم خوشا هوایی کز باد خُلد خیزد	گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید
به معشوق گفتم که چه خوش هوایی است، اگر از بهشت بیاید. گفت بهترین نسیم آن است که از کوچه معشوق بوزد.	
آرایه: مراعات نظیر (هوا، باد، نسیم) - (خنک، خوشا) - موازنه	
گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت	گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید
گفتم از حسرت لب‌های شیرینات جانم به لب آمد. گفت تو بنده مطیعی باش، چون او به زیر دستانش توجه خاصی دارد.	
آرایه: استعاره (لعل) - تشخیص (هر دو مصراع) - کنایه (به آرزو کشتن)	
گفتم دل رحیمت، کی عزم صلح دارد	گفتا مگوی با کس تا وقت آن درآید
گفتم دل مهربان تو چه زمانی قصد دوستی با من دارد؟ گفت این راز را با کسی در میان مگذار تا موقع آن فرا برسد.	
گفتم زمان عشرت، دیدی که چون سرآمد	گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید
گفتم دیدی که چگونه زمان خوشی به پایان رسید. گفت: حافظ! چیزی نگو، زیر این غم و غصه نیز روزی تمام می‌شود.	
آرایه: جناس (سرآمد، سرآید)	

قلمرو زبانی

۱- در متن درس، هر واژه زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟	
خُلد (بهشت)	عشرت (شادی، خوشی)
	شبرو (کسی که شبانه حرکت می‌کند)

۲- گاهی ضمیر، در جایگاه اصلی خود قرار نم یگیرد و در جای دیگر می نشیند؛ به این جابه جایی ضمیر، «پرش» یا «جَهِش ضمیر» می گویند؛ مانند کاربرد ضمیر پیوسته «ت» در بیت زیر:

ای بی نشان محض، نشان از که جویمت؟
گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

■ در شعر این درس، نمونه ای از جَهِش ضمیر را مشخص کنید.

در مصراع: گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید ← هم او رهبرت می شود. ← «ت» در نقش مضاف الیه آمده است.

۳- با توجه به ساختمان واژه، کلمات مناسب را از متن درس بیابید و در جدول زیر قرار دهید.

ساده	مشتق	مرکب
خیال	بندگی	دلبر
صلح	گفتا	گمراه
رسم	خوشا	بنده پرور

تمرینات قلمرو ادبی

۱- قافیه و ردیف را در بیت آغازین و پایانی شعر حافظ مشخص کنید.

بیت اول: ردیف ← آید کلمات قافیه ← سر، بر

بیت آخر: ردیف ← آید کلمات قافیه ← سر، بر

۲- هر گاه یک کلمه، به چند معنا به کار برود، آرایه «ایهام» پدید می آید. ایهام، از ریشه «وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است؛ نمونه: «بی مهر رخت، روز مرا نور نمانده است»؛ کلمه «مهر» در دو معنای «محبت» و «خورشید» به کار رفته است.

■ نمونه ای از این آرایه ادبی را در متن درس بیابید.

«برآید» در مصراع «گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید» ایهام دارد. (۱) طلوع کند. (۲) امکان پذیر باشد.

تمرینات قلمرو فکری

۱- از متن درس، برای هر یک از مفاهیم زیر، نمونه بیتی انتخاب کنید و بنویسید.

■ اطاعت و فرمان پذیری

گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت

گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

■ طلب عنایت و بخشش

گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد؟

گفتا مگوی با کس تا وقت آن درآید

۲- بیت زیر، با کدام قسمت از سروده حافظ، ارتباط مفهومی دارد؟

غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات

هر زمان، حال وی از شکل دگر خواهد شد

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سرآمد

گفتا خموش حافظ کاین غصه هم سر آید

۳- بر پایه بیت های این غزل، چند ویژگی هر یک از دو سوی گفت و گو را بنویسید.

نفر اول (پرسنده)	نفر دوم (پاسخ دهنده)
مشتاق	بی نیاز
گمراه شده	وعده وعید دهنده
صلح طلب	سرسخت و سنگدل
آرزومند	هدایتگر
سرگشته	بنده نواز

۴- در بیت دوم شعر، حافظ چه چیزی را به معشوق نسبت داده است؟ بی وفایی